



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

تصوف يا
عرفان التقاطی
مصاحبه صوفیان
یا امام صادق علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تصوف یا عرفان التقاطی : مصاحبه صوفیان با امام صادق (ع)

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

درسهایی از مکتب اسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ تصوف یا عرفان التقاطی : مصاحبه صوفیان با امام صادق (ع)
۶ مشخصات کتاب
۶ مصاحبه صوفیان با امام صادق (ع)
۹ پاورقی
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تصوف یا عرفان التقاطی : مصاحبه صوفیان با امام صادق (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده : جمعی از نویسندگان

ناشر : درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۳۵۶، آذر ۶۹

مصاحبه صوفیان با امام صادق (ع)

سفیان ثوری بر امام صادق (ع) وارد شد، امام را دید جامه‌ای سپید و بسیار لطیف پوشیده است. به عنوان اعتراض گفت این جامه سزاوار تو نیست تو نمی‌بایست خود را به زیورهای دنیا آلوده سازی. امام صادق (ع) به او فرمود: «اسمع منی وع ما اقول لك فانه خیر لك عاجلاً و آجلاً- ان انت مت علی السنه و الحق و لم تمت علی بدعه» خوب گوش کن که از برای دنیا و آخرت تو مفید است، اگر راستی اشتباه کرده‌ای و حقیقت نظر دین اسلام را درباره این موضوع نمی‌دانی، سخن من برای تو بسیار سودمند خواهد بود. و اما اگر منظورت این است که در اسلام بدعتی ایجاد کنی، و حقایق را منحرف و وارونه سازی مطلب دیگری است و این سخنان به تو سودی نخواهد داشت. ممکن است تو وضع ساده و فقیرانه رسول خدا و صحابه آن حضرت را در زمان خودش در نظر خود مجسم سازی و فکر کنی که آن یک نوع تکلیف و وظیفه‌ای برای همه مسلمانان تا روز قیامت هست. اما من به تو می‌گویم که رسول خدا در زمانی و محیطی بود که فقر و سختی و تنگدستی بر آن مستولی بود عموم مردم از داشتن لوازم اولیه زندگی محروم بودند. وضع خاص زندگی رسول اکرم و اصحاب آن حضرت مربوط به وضع عمومی آن روزگار بود. اما اگر در عصری و سائل زندگی فراهم شد سزاوارترین مردم برای بهره بردن از آن نعمتها نیکان و صالحانند، نه فاسقان و بدکاران. مسلمانند، نه کافران ای سفیان تو چه چیز را بر من عیب شمردی؟ به خدا قسم من در عین اینکه می‌بینی که از نعمتهای الهی استفاده می‌کنم، از زمانی که به حد بلوغ رسیده‌ام شب و روز بر من نمی‌گذرد مگر آنکه مراقب هستم که اگر حقی در عالم پیدا شود فوراً آن را به موردش برسانم. سفیان نتوانست پاسخ منطق امام (ع) را بدهد ناچار محضر امام را ترک گفت و به یاران و هم‌مسلمانان خود پیوست و ماجرا را به آنها گفت، آنها تصمیم گرفتند که دسته جمعی با امام مباحثه کنند، گروهی به اتفاق آمدند و گفتند رفیق ما نتوانست خوب دلائل خودش را ذکر کند، اکنون ما آمده ایم با دلائل روشن خود تو را محکوم سازیم. امام فرمود: دلیلهای شما چیست؟ بیان کنید گفتند: دلیلهای ما از قرآن است امام: چه دلیلی بهتر از قرآن؟ بیان کنید که آماده شنیدنم. گفتند: ما دو آیه از قرآن را دلیل بر مدعای خودمان و درستی مسلکی که اتخاذ کرده ایم، می‌آوریم، و همین ما را کافی است. خداوند در قرآن یک جا گروهی از صحابه را این طور ستایش می‌کند: «یوثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون» [۱] (در عین اینکه خودشان در تنگدستی و زحمت هستند دیگران را بر خویش مقدم می‌دارند، کسانی که از صفت بخل محفوظ بمانند آنها رستگارانند) و در جای دیگر می‌فرماید: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً» [۲]. آنها در عین اینکه به غذا احتیاج و علاقه دارند آن را به فقیر و یتیم و اسیر می‌خورانند. همین که سخنان آنها به اینجا رسید، یک نفر که در حاشیه‌ی مجلس نشسته بود و به سخنان آنها گوش می‌داد گفت آنچه تاکنون فهمیده‌ام این است که شما خودتان هم به سخنان خود عقیده ندارید، شما این حرفها را وسیله قرار داده‌اید که مردم را به مال خودشان بی‌علاقه کنید، تا به شما بدهند، و شما عوض آنها بهره‌مند شوید، و لهذا عملاً دیده نشده که شما از غذاهای خوب احتراز و پرهیز داشته باشید؟ امام فرمود: فعلاً این حرفها را رها کنید، اینها فائده ندارد. بعد رو به جمعیت کرد و فرمود: اول بگوئید آیا شما که به قرآن استدلال می‌کنید محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ قرآن را تمیز می‌دهید یا تمیز نمی‌دهید؟ هر کس از این امت که گمراه شده از همین راه گمراه شد، که بدون اینکه اطلاع صحیحی

از قرآن داشته باشد، به آن تمسک کرد. گفتند: البته فی الجمله اطلاعاتی در این زمینه داریم ولی کاملاً نه. امام: بدبختی شما هم همین است. احادیث پیغمبر هم مثل آیات قرآن است اطلاع و شناسائی کامل لازم دارد. اما آیاتی که از قرآن خواندید، این آیات دلالت بر حرمت استفاده از نعمتهای الهی ندارد. این آیات مربوط به گذشت و بخشش و ایثار است. قومی را ستایش می کند که در وقت معینی دیگران را بر خودشان مقدم داشتند، و مالی را که بر خودشان حلال بود، به دیگران دادند، و اگر هم نمی دادند، گناهی و خلافی مرتکب نشده بودند، خداوند به آنها امر نکرده بود که باید چنین کنند، و البته در آن وقت نهی هم نکرده بود که نکنند. پس این آیات که با مدعای شما تطبیق نمی کند، زیرا شما مردم را منع می کنید و ملامت می نمائید بر اینکه از مال خودشان و نعمتهائی که خداوند به آنها ارزانی داشته استفاده کنند. آن ها آن روز آن طور بذل و بخشش کردند ولی بعد در این زمینه دستور جامعی از طرف خداوند رسید، حدود اینکار را معین کرد و البته این دستور که بعد رسید ناسخ عمل آن هاست، ما باید تابع این دستور باشیم نه تابع آن عمل. خداوند برای اصطلاح حال مومنین و بواسطه رحمت خاص خویش نهی کرد که شخص، خود و عائله خود را در مضیقه بگذارد و آنچه در کف دارد به دیگران ببخشد زیرا در میان عائله شخص، ضعیفان و خردسالان و پیران فرتوت پیدا می شوند که طاقت عمل ندارند، اگر بنا شود که من گرده نانی که در اختیار دارم انفاق کنم عائله من که عهده دار آنها می باشم تلف خواهند شد. و لهذا رسول اکرم (ص) فرمود: «کسی که چند دانه خرما یا چند قرص نان و یا چند دینار دارد و قصد انفاق آنها را دارد، در درجه اول بر پدر و مادر خود باید انفاق کند، و در درجه دوم خودش وزن و فرزندش و در درجه سوم خویشاوندان و برادران مومنش، و در درجه چهارم خیرات و مبرات» این چهارمی بعد از همه آن ها است. رسول خدا وقتی که شنید که مردی از انصار مرده و کودکان صغیری از او باقی مانده و او دارائی مختصر خود را در راه خدا داده فرمود «اگر قبلاً به من اطلاع داده بودید نمی گذاشتم او را در قبرستان مسلمین دفع کنند، او کودکانی باقی می گذارد که دستشان پیش مردم دراز باشد» پدرم امام باقر (ع) برای من نقل کرد که رسول خدا فرموده است که همیشه در انفاقات خود از عائله خود شروع کنید، به ترتیب نزدیک، که هر که نزدیکتر است مقدم تر است. علاوه بر همه اینها در نص قرآن کریم از روش شما نهی شده است آنجا که می فرماید: «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً» [۳]. متقین کسانی هستند که در مقام انفاق و بخشش نه تندروی می کنند و نه کند روی، راه اعتدال را پیش می گیرند. در آیات زیادی از قرآن نهی می کند از اسراف و تندروی در بذل و بخشش همانطوریکه از بخل و خست نهی می کند، قرآن برای این کار حد وسط و میانه روی را تعیین کرده است، نه این که انسان هرچه دارد به دیگران ببخشد و خودش تهی دست بماند و آنگاه دست به دعا بردارد که خدایا به من روزی بده، خداوند این چنین دعائی را هرگز مستجاب نمی کند زیرا پیغمبر اکرم فرمود خداوند دعای چند دسته را مستجاب نمی کند: الف - کسی که از خداوند بدی برای پدر و مادر خود بخواهد. ب - کسی که مالش را به قرض داده و از طرف، شاهد و گواه و سندی نگرفته و او مالش را خورده و حالا دست به دعا برداشته و از خداوند چاره می خواهد. البته دعای این آدم مستجاب نمی شود زیرا او به دست خودش راه چاره را از بین برده و مال خویش را بدون سند و گواه به او داده است. ج - کسی که از خداوند دفع شر زن خود را بخواهد زیرا چاره این کار در دست خود شخص است او می تواند اگر واقعاً از دست این زن ناراحت است عقد ازدواج را با طلاق فسخ کند. د - کسی که در خانه خود نشسته و دست روی دست گذاشته و از خداوند روزی می خواهد خداوند در جواب این بنده می گوید: «بنده من مگر نه این است که من راه حرکت و جنبش را برای تو باز کرده ام؟ مگر نه این است که من راه حرکت و جنبش را برای تو باز کرده ام؟ جوارح صحیح به تو داده ام؟ در خلقت همه اینها هدف و مقصودی در کار بوده شکر این نعمتها به این است که تو اینها را بکار واداری، بنابراین من بین تو و خودم حجت را تمام کرده ام که در راه طلب گام برداری و دستور مرا راجع به سعی و تلاش اطاعت کنی، و با روش دیگران نباشی، و البته اگر با مشیت کلی من سازگار بود به تو روزی وافر خواهم داد و اگر به علل و مصالحی زندگی تو توسعه پیدا نکرد، البته تو سعی خود را کرده، و وظیفه خویش را انجام داده ای، و معذور خواهی بود. ه - کسی

که خداوند به او مال و ثروت فراوان داده و با بذل و بخششهای زیاد آنها را از بین برده، و بعد دست به دعا برداشته که خدایا به من روزی بده خداوند در جواب او می گوید: مگر من به تو روزی فراوان ندادم؟ چرا میانه روی نکردی؟ و- کسی که درباره قطع رحم دعا کند. خداوند در قرآن مخصوصاً به پیامبر خویش طرز و روش بخشش را آموخت زیرا داستانی واقع شد که مبلغی طلا پیش پیامبر بود، و او می خواست آن ها را به مصرف فقراء برساند، و میل نداشت حتی یک شب آن پول در خانه اش بماند، لهذا در یک روز طلاها را به این و آن داد، بامداد سائل دیگری پیدا شد و با اصرار از پیامبر کمک خواست، و پیامبر هم چیزی در دست نداشت که به سائل بدهد، از این رو خیلی ناراحت شد، اینجا بود که آیه قرآن نازل شد، و دستور کار را داد، آیه آمد که: «ولا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا» [۴] نه دست های خود را به گردن خود ببندد و نه تمام گشاده داشته باش که بعد تهی دست بمانی، و مورد ملامت فقرا واقع شوی. اینها احادیثی است که از پیامبر اکرم (ص) رسیده آیات قرآن هم مضمون این احادیث را تایید می کند، و البته کسانی که اهل قرآن و مومن به قرآن هستند به مضمون آیات قرآن ایمان دارند. به ابوبکر هنگام مرگ گفته شد، راجع به مالت وصیتی بکن، گفت یک پنجم مالم انفاق شود، و باقی متعلق به ورثه باشد، و یک پنجم کم نیست. به یک پنجم مال خویش وصیت کرد، و حال آنکه مریض حق دارد در مرض موت تا یک سوم هم وصیت کند، و اگر می دانست بهتر این است از تمام حق خود استفاده کند، به یک سوم وصیت می کرد. سلمان و ابوذر را که شما به فضل و تقوی و زهد می شناسید سیره و روش آنها هم همین طور بود که گفتم. سلمان وقتی که نصیب سالانه خویش را از بیت المال می گرفت به اندازه یک سال مخارج خود را ذخیره می کرد به او گفتند: «تو با این همه زهد و تقوی در فکر ذخیره سال هستی؟ شاید همین امروز یا فردا بمیری؟ او در جواب گفت «شاید هم نمردم» ای نادانها شما از این نکته غافلید که نفس انسان اگر به مقدار کافی وسیله زندگی نداشته باشد، در اطاعت حق کندی و کوتاهی می کند؛ و همین که به قدر کافی وسیله فراهم شد آرامی می گیرد» اما ابوذر، وی چند شتر و چند گوسفند داشت که از شیر آنها استفاده می کرد و احياناً اگر میلی در خود به خوردن گوشت می دید، یا مهمانی برایش میرسید، و یا دیگران را محتاج می دید، از گوشت آنها استفاده می کرد، و اگر می خواست به دیگران بدهد، برای خودش هم برابر دیگران سهمی منظور می کرد. چه کسی از اینها زاهدتر بود؟ پیامبر درباره اینها چیزها گفت که همه می دانید، هیچگاه این اشخاص تمام دارائی خود را به نام زهد و تقوی از دست ندادند و از این راهی که شما امروز پیشنهاد می کنید که مردم از هرچه دارند، صرف نظر کنند و خود و عائله خود را در سختی بگذارند، نرفتند. من به شما این حدیث را از پدرم و او از پدر و اجدادش از رسول خدا نقل کرده اند اخطار می کنم، رسول خدا فرمود: «ما عجت من شیء کعجی من المومن انه ان قرض جسده فی دار الدنيا بالمقاریض کان خیراً له و ان مک مابین مشارق الارض و مغاربها کان خیراله... عجیب ترین چیزها حالی است که مومن پیدا می کند، اگر بدنش با مقراض قطعه قطعه شود برایش خیر و سعادت خواهد بود، و اگر هم ملک شرق و غرب به او داده شود باز برایش خیر و سعادت است. امام خطاب به آنان فرمود نمی دانم همین مقدار که امروز برای شما گفتم کافی است یا بر آن بیفزایم. هیچ می دانید که در صدر اسلام آن وقت که عده مسلمانان کم بود قانون جهاد این بود که یک نفر مسلمان در برابر ده نفر کافر ایستادگی کند، و اگر ایستادگی نمی کرد گناه محسوب می شد، ولی بعد که امکانات بیشتری پیدا شد، خداوند به لطف و رحمت خود تخفیف بزرگی داد، و این قانون را به این نحو تغییر داد، که هر فرد مسلمان موظف است که فقط در برابر دو کافر ایستادگی کند نه بیشتر. از شما مطلبی راجع به قانون قضا و ما حکم قضائی اسلامی سؤال می کنم. فرض کنید یکی از شما در محکمه هست و موضوع نفقه زن او در بین است و قاضی حکم می کند که نفقه زنت را باید بدهی، در اینجا چه می کنید؟ آیا عذر می آورد که بنده زاهد هستم و از متاع دنیا اعراض کرده ام؟ آیا این عذر موجه است؟ آیا به عقیده شما حکم به اینکه باید خرج زنت را بدهی مطابق حق و عدالت است یا آن که ظلم و جور است؟ اگر بگوئید این حکم ظلم و ناحق است یک دروغ واضح گفته اید، و به همه اهل اسلام با این تهمت ناروا جور و ستم کرده اید، و اگر بگوئید حکم قاضی صحیح است، پس عذر شما باطل است

و قبول دارید که طریقه و روش شما باطل است. مطلب دیگر. مواردی هست که مسلمان در آن موارد یک سلسله انفاقهای واجب یا غیر واجب انجام می دهد، مثلاً زکوه یا کفاره می دهد، حالا اگر فرض کنیم معنای زهد اعراض از زندگی و مایحتاجهای زندگی است، و فرض کنیم همه مردم مطابق دلخواه شما «زاهد» شدند، و از زندگی و مایحتاج آن روگردانند، پس تکلیف کفارات و صدقات واجب چه می شود؟ تکلیف زکاتهای واجب چه می شود؟ مگر نه این است که این صدقات فرض شده که تھی دستار زندگی بهتری پیدا کنند، این خود می رساند که هدف دین و مقصود از این مقررات رسیدن به مواهب زندگی و بهره مند شدن از آن است، و اگر مقصود و هدف دین فقیر بودن بود، و حد اعلای تربیت دینی این بود که بشر از متاع این جهان اعراض کند و در فقر و مسکنت و بیچارگی زندگی کند، پس فقرا به آن هدف عالی رسیده اند و نمی بایست به آنها چیزی داد که آنها از حال سعادت‌مندانه خود خارج شوند و نه همه آنها چون غرق در سعادت می باشند باید بپذیرند. اساساً اگر حقیقت این است که شما می گوئید شایسته نیست که کسی مالی را در کف نگهدارد، باید هر چه بدستش میرسد همه را ببخشد و دیگر محلی برای زکوه باقی نمی ماند. پس معلوم می شود که شما طریقه بسیار زشت و خطرناکی را پیش گرفته اید، و به سوی مسلک بدی مردم را دعوت می کنید، راهی که میروید و مردم را هم به آن می خوانید، ناشی از جهالت به قرآن و اطلاع نداشتن از قرآن و از سنت و احادیث پیامبر است، اینها احادیثی نیست که قابل تشکیک باشد، احادیثی است که قرآن به صحت آنها گواهی می دهد، ولی شما احادیث معتبر پیامبر را اگر با روش شما درست در نمی آید، رد می کنید، و این هم نادانی دیگر است. جواب مرا راجع به قصه سلیمان بن داود بدهید که از خداوند ملکی را مسالت کرد که برای کسی بالاتر از آن میسر نباشد [۵] و خداوند هم چنان ملکی به او داد، البته سلیمان جز حق نمی خواست، نه خداوند در قرآن و نه هیچ فرد مومنی این را بر سلیمان عیب نگرفت که چرا چنین ملکی را در دنیا خواسته، و همچنین است داستان داود پیغمبر که قبل از سلیمان بود. و همچنین است داستان یوسف و... امام در پایان این گروه صوفی را مخاطب ساخت و فرمود: «فتادبوا ایها النفر بآداب الله عزوجل للمومنین و اقتصروا علی امرالله و نهیه و دعوا عنکم ما اشته علیکم ممالا- علم لکم به وردوا العلم الی اهلہ توجروا و تعذروا عندالله تبارک و تعالی و کونوا فی طلب علم ناسخ القرآن من منسوخه و محکمه... [۶]. از این راه ناصواب دست بردارید، و خود را به آداب واقعی اسلام، تربیت کنید، از آنچه خدا امر و نهی کرده تجاوز نکنید، و از پیش خود دستور نتراشید، در مسائلی که نمی دانید مداخله نکنید، علم آن مسائل را از اهلش بخواهید، درصدد باشید که ناسخ را از منسوخ و محکم را از متشابه و حلال را از حرام باز شناسید، این برای شما بهتر و آسانتر و از نادانی دورتر است جهالت را رها کنید که طرفدار جهالت زیاد است، به خلاف دانش که طرفداران کمی دارد خداوند فرمودند بالاتر از هر صاحب دانشی دانشمندی است.

پاورقی

- [۱] سوره حشر آیه ی ۹۱.
- [۲] سوره دهر آیه ی ۸.
- [۳] سوره فرقان آیه ی ۶۷.
- [۴] سوره اسراء آیه ی ۲۹.
- [۵] وهب لی ملکا لاینبغی لاحد عن بعدی. سوره ص آیه ی ۳۵.
- [۶] مرحوم کلینی، فروع کافی ج ۵ / ۶۵-۷۱ کتاب المعیشه - تحف العقول و مرحوم استاد شهید مطهری این جریان را به صورت داستان، در کتاب داستان راستان ج اول داستان ۱۵ آورده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

